

نقش قرآن در رشد جامعه اسلامی در زمینه سیاسی

سهام عیدان پور صالحی^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح دو (کارشناسی)، پژوهشگر مدرسه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، بندرماهشهر، استان خوزستان

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

قرآن کریم به عنوان کاملترین کتاب آسمانی، در زمینه تشکیل حکومت اسلامی دارای نظریه‌هایی است که به این نیاز اساسی انسان پاسخ می‌دهد. دانشمندان همواره معطوف به قرآن، دانش‌های زیادی کسب کرده‌اند که توانسته‌اند در این خصوص به تشکیل حکومت اسلامی، روابط بین‌الملل و مشورت نظام سیاسی و دینی، اقتصاد، احکام و اخلاق اقتصادی و جامعه مدرن کمک شایانی بکنند. ولی برخی از اندیشمندان مسلمان وجود هرگونه نظریه دولت در اسلام را انکار می‌کنند و معتقدند در زمان غیبت امام معصوم (علیهم السلام) مسلمانان نمی‌توانند حکومت تشکیل دهند. اما باید گفت قرآن کریم در زمینه‌ی ضرورت تشکیل حکومت و همچنین ایجاد روابط داخلی و خارجی و نحوه برخورد با دولتهای دیگر آیاتی را مطرح کرده است. به همین دلیل هدف کلی این پژوهش استفاده از مفاهیم و استخراج معانی قرآن در جهت بهره‌مندی و به کارگیری آن در خصوص جامعه اسلامی و انسانی و مشورت در نظام و فعالیتهای سیاسی جهت تشکیل دولت و حکومت سالم می‌باشد. لازم به ذکر است روش جمع‌آوری مقاله حاضر به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

واژه‌های کلیدی: اومانیسیم، جامعه، سیاست

مقدمه

قرآن کریم کتاب آسمانی است که از طرف خداوند متعال بر پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) به منظور هدایت انسانها و رسیدن به کمال و همچنین تشکیل حکومت عادلانه و اسلامی نازل شده است. انسان همواره در زندگی اجتماعی خود با مسائلی رو به رو می شود که می بایست برای انتخاب درست و تشخیص خوب و بد و دنبال راه حل و تعیین قوانین و قواعدی برای خود و دیگران باشد که برای این کار ها از چشم قدرت تفکر و تعقل خود استفاده نماید. که خداوند متعال برای تجزیه و تحلیل بین مسائل معنوی و غیر مادی انسان در او بصیرت و بینش تعبیه کرده است که در نقش آفرینی و اثر بخشی بالاتر از چشم جهانی است از منظر قرآن، حکومت امری است که در ذات دین نهفته است که دین هم برای گسستن اسارت انسان و تامین آزادی و نجات مستضعفان از چنگال ظالمان و پایان دادن به سلطه آنهاست، بدیهی است که این اهداف بدون تشکیل حکومت اسلامی و یکی شدن دین با سیاست امکان پذیری نمی باشد چرا که دین و قرآن به تمام مسائل اجتماعی و حکومتی نیز اشاره نموده است چرا که اگر سیاست از دین جدا گردد مخرب و باعث فساد جامعه و دین می شود.

گفتمان حاکم بر جهان معاصر، گفتمان مادی گرایانه و بشر دوستانه است و یاد خدا کمتر دیده می شود یا اگر دیده می شود از ربوبیت او خبری نیست و با تکیه بر عقل و عقلانیت می خواهند جامعه آرمانی سازند در حالی که عقل بشری در خیلی از مسائل و مشکلات جواب گو نیست یا اگر جواب گو باشد مختص همان زمان می باشد در حالی که گفتمان اسلامی، بر پایه ی مالکیت و ربوبیت و حکمت خدا، در چارچوب قوانین شریعت الهی سبک زندگی درست و تعالی انسانی در چارچوب زندگی اسلامی را تعریف می کند.

تفاوت های فاحش با جامعه غیر اسلامی به عنوان شاخص های بین المللی و پیشرفت و توسعه از سوی ستگاه ها و نهادها پذیرفته شده و سبک زندگی مردم هدایت، مدیریت و سازماندهی می شود در حقیقت مهندسی غربی است که سبک زندگی مردم را مدیریت و اسلام تنها در حاشیه برای توجیه و آراستن مورد استفاده قرار می گیرد. اینگونه است که در رفتار مسلمانان تضاد دیده می شود چرا که در حکمت نظری و عقلی باور دارند ولی در مقام عمل خلاف آن را انجام می دهند و در علمای اسلامی اراده و جدیت برای انجام این باورها کمتر به چشم می خورد.

با توجه به بررسی های انجام شده در زمینه ی سیاسی و مباحث آن و به منظور رشد جامعه اسلامی با توجه به آیات قرآن تعداد زیادی از کتابها و مقالات به طور عام یا به طور خاص در یکی از بُعدهای آن پرداخته اند. مانند کتاب «مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی(جامعه و تاریخ)» از مرتضی مطهری در تاریخ ۱۳۸۵ «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» از محمدتقی مصباح یزدی در تاریخ ۱۳۹۱ و مقالاتی همچون «مبانی سیاسی قرآن کریم در تفاسیر» از غلامرضا بهروزی لک و مصطفی دهقانی فیروز آبادی در تاریخ ۱۳۹۲ اشاره کرد. اما آنچه که در این مقاله درصدد آن هستیم نقش قرآن جهت رشد سیاست در جامعه اسلامی بررسی کنیم.

حال اینک این سوال مطرح می شود که نقش قرآن در رشد جامعه اسلامی در زمینه سیاسی چیست؟ آیا در زمینه ی نحوه ی رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی آیاتی مطرح شده است؟ با توجه به آیات قرآن کریم آیا دین از سیاست قابل تفکیک است؟. بنابراین هدف از تدوین این مقاله پاسخ به این سوالات و همچنین شناخت و آگاهی نسبت به آیات قرآن مربوط به مباحث سیاسی و آشنایی نسبت به چگونگی روابط با دولتهای دیگر در زمینه ی سیاست، اقتصادی و غیره به منظور رشد

جامعه اسلامی است. و از طرفی با مراجعه به آموزه های قرآنی و تحقیق و نگرش در جامعه های اسلامی و فرهنگ غرب بر آن است تا بخشی از مهمترین مبانی و شاخص های قرآنی و پیشرفت و توسعه را بیان نماییم.

۱. مفهوم شناسی واژگان

۱-۱. «اومانیسیم» در لغت و اصطلاح

واژه «اومانیسیم» در لغت به معنای انسان گرایی، انسان مداری، مکتب اصلت فرد، انسان دوستی و مانند آن است (شیروی، ۱۳۸۶: ۵۷).

اما در معنای اصطلاحی آن، چنان تنوعی وجود دارد که برخی از اندیشمندان گفته اند: واژه فلسفی اومانیسیم، همانند سایر اصطلاحات فلسفی که دوره های موازی، تاریخی عقلی و کاربردی عمومی دارند، از تنوع فراوان تعاریف رنج می برد، تعاریفی که وقتی آنها را یک جا و در کنار هم لحاظ می کنیم، به نظر می آید که هیچ فردی را نمی توان یافت که اومانیسیت نباشد. واژه اومانیسیم، ناظر به مجموعه ای از مفاهیم در باب طبیعت، ویژگی های معرف، نیروها، تعلیم و تربیت و ارزش های افراد بشری است (سایت پژوهه (پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام))، اومانیسیم (Humanism)، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶، ۱۷:۲۹، http://pajoohe.ir/Humanism__a-35076.aspx).

اومانیسیم، نگرش فلسفی ویژه ای است که انسان را محور توجه خود قرار داده و اصالت را تنها به رشد و شکوفایی انسان سپرده است. بنابراین، «اومانیسیم» عبارت است از «یک شیوه فکری و حالتی روحی که شخصیت انسان و شکوفایی کامل وی را بر همه چیز مقدم می شمارد، و عمل موافق با این حالت و شیوه فکر» (شیروی، ۱۳۸۶: ۵۷؛ سایت پژوهه (پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام))، اومانیسیم (Humanism)، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶، ۱۷:۲۹، http://pajoohe.ir/Humanism__a-35076.aspx).

۲-۱. «جامعه» در لغت و اصطلاح

لفظ «جامعه» اسم فاعل مونث از مصدر «جمع» در لغت به معنای «گرد کردن، گرد هم آوردن، فراهم کردن یا فراهم آوردن، و برهم افزودن» است. و بنابراین، به معنای گرد آورنده، فراهم کننده یا آورنده، بر هم افزاینده و در برگیرنده خواهد بود. این واژه «عرفاً» به معنای «گروه» و «علی الخصوص» «گروهی از انسانها» به کار می رود، خواه آن گروه از مردم که در یک روستا یا دهکده یا شهر یا استان و یا کشور زندگی می کنند، به طور مثال «جامعه ایرانی» و خواه آن گروه از مردم که دارای یک دین یا مذهب هستند مثلاً «جامعه مسیحیان» و خواه گروهی که حرفه و شغل واحدی دارند مانند «جامعه معلمان» و خواه همه ی انسان هایی که بر روی زمین به سر می برند مثلاً «جامعه بشری یا جامعه بشریت» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۹).

«جامعه» در اصطلاح عبارت است از «مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامات و آداب و سنن و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می دهد» (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۷/۵؛ کوثر بلاگ، مفهوم لغوی و اصطلاحی جامعه، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳، ۱۹:۴۰، <https://narjes-s3.kowsarblog.ir>).

۱-۳. «سیاست» در لغت و اصطلاح

واژه ی «سیاست» در لغت به معنای «حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن، حکم داری» است (معین، ۱۳۸۶: ۹۰/۲/۱).

از نظر اصطلاحی تا آنجا که صاحب نظران می گویند تاکنون حدود ۲۰۰ معنا برای این واژه ارائه شده است عده ای از نظریه پردازان سیاست را به معنای «علم قدرت» دانسته اند برخی دیگر از نظریه پردازان غربی سیاست را به معنای «علم دولت»

دانسته‌اند. اما در فرهنگ سیاسی اسلام واژه سیاست را به معنای تمشیت امور چه در امر دولت و چه غیر دولت آورده‌اند (سایت اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از منظر آیات و روایات، تاریخ و ساعت دانلود: <http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/1920/indexId/226574>، ۱۸:۴۶، ۱۳۹۹/۱۰/۲۴).

امام خمینی به عنوان یک سیاست‌مدار برجسته می‌فرماید: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام» (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۳۲/۱۳).

آنچه در این دو بینش قابل توجه است تمایزی است که بین آن دو به چشم می‌آید. یک گروه کسانی هستند که قدرت را در اختیار داشته و قدرت‌مندند و گروه دیگر کسانی که فاقد قدرت می‌باشند. این تمایز به اصطلاح تمایزی است که بین «فرمانروایان» و «فرمان‌برداران» وجود دارد. رابطه‌ای که بین این دو گروه وجود دارد بر مبنای قدرت استوار گشته و همین پدیده قدرت است که موضوع مورد مطالعه علم سیاست است. منظور از قدرت قابلیت به اطاعت درآوردن و نظارت بر رفتار دیگران در تمام رفتارهای اجتماعی است.

قدرت می‌تواند بر پایه منابع گوناگونی مانند: دانش، ثروت، هنر، زور، دین و ... شکل بگیرد. در این میان «قدرت سیاسی»: قدرتی است که به موجب نظام سیاسی و حکومتی به حاکمان داده شده و به طور رسمی مافوق همه قدرت‌هاست. به این معنا که این قدرت حق اعمال زور و نیرو داشته و به طور رسمی قدرت‌های دیگر را محدود می‌سازد (سایت اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از منظر آیات و روایات، تاریخ و ساعت دانلود: <http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/1920/indexId/226574>، ۱۸:۴۶، ۱۳۹۹/۱۰/۲۴).

۲. مبانی سیاسی قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان یک کتاب جامع و کلی، در بردارنده مبانی کلی ای است که به موضوعات مختلفی از جمله سیاست پرداخته است. از آنجا که حکومت در اسلام از مهم ترین بنیان های جامعه به شمار می آید، بیان مسائل و موضوعات سیاسی در اسلام نیز از نیازهای اساسی آن می‌باشد. به تبع، بحث از مبانی سیاست در قرآن نیز از مباحث مهم و در خور توجه است که می توان آنها را از آیات قرآن استخراج کرد. در ذیل به مهم ترین مبانی قرآنی سیاست اشاره می کنیم:

۲-۱. نحوه رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی

روابط داخلی و خارجی که به نوعی همان اعمال سیاست های دیپلماتیک در سطح روابط بین‌الملل است، یکی از شاخصه های حکومتی یک جامعه است. نوع این رفتارهای سیاسی بیانگر انگیزه های آن حکومت در نحوه برخورد با جوامع دیگر است. قرآن کریم بهترین نوع روابط داخلی و خارجی را رفتار عادلانه معرفی می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آن چه انجام میدهید، با خبر است» (مائده/۸).

مرحوم طبرسی رفتار عادلانه بین المللی را در سایه اخلاق عاری از کینه ورزی تفسیر می‌کند: «ای مردم مؤمن، باید عادت شما و خوی شما قیام به حق باشد، به طوری که خود عمل شایسته انجام دهید و دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کنید

و اینها را برای تحصیل رضای خدا انجام دهید. حال آنکه گواهانی هستی که عادلانه، به وظیفه شهادت عمل می کنید؛ بغض و کینه شما نسبت به مردمی، شما را به بی عدالتی وادار نکند. یعنی کسی که نسبت به قومی کینه دارد، شما را به بی عدالتی وادار نکند که در حکم و سیره خود نسبت به ایشان به ستمگری گرایید» (طبرسی، بی تا: ۲۳۳/۶). این تفسیر بر این مبناست که وی «شأن» را مصدر و به معنای کینه یا صفت و به معنای کینه ورز گزارش می کند (همان). بنابراین، رفتار کینه ورزانه با حکومت های دیگر موجب می شود که انسان در حق آن حکومت ها و مردم آنها ناعادلانه رفتار کند. این همان اخلاق غیرانسانی ای است که قرآن کریم جامعه اسلامی را از آن برحذر می دارد و به رفتار عادلانه تشویق می کند (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۲ - ۱۱۱).

۲-۲. نحوه ی برخورد در سیاست های مالی و اقتصادی

در یک جامعه دارای حکومت باید تصمیم های اقتصادی و سیاست های پولی و مالی آن به وسیله ی رهبر حکومتی آن جامعه اخذ شود که طبیعتاً یک شخص سیاسی نیز می باشد. در قرآن کریم به این سیاست مهم حکومتی اشاره شده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» (در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده، راضی باشند و بگویند: خداوند برای ما کافی است! و به زودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما میبخشند ما تنها رضای او را میطلبیم. (برای آن ها بهتر است)» (توبه/۵۹).

طبرسی در مجمع البیان مورد آیه را صدقاتی می داند که منافقان آن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طلب کرده و به عیب جویی آن حضرت پرداخته اند (طبرسی، بی تا: ۱۲۷/۱۱). بدین سان روشن می شود که نحوه تقسیم غنایم و بیت المال که یکی از ارکان اقتصادی جامعه به شمار می آید، باید به وسیله رهبر امت انجام شود (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

۳. تفکیک ناپذیری دین از سیاست

تفکیک ناپذیر بودن دین از سیاست از قوانین و مبانی مهم، اصلی و اجماعی اسلام است که قرآن کریم در آیات مختلفی به آن اشاره می کند. برای نمونه، قرآن کریم می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِكِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ! آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم» (بقره/۲۴۶).

طبرسی در اینکه این قوم بنی اسرائیل از چه کسی درخواست کردند که برایشان رهبر و فرمانده قرار دهد، سه احتمال را گزارش کرده است:

۱. پس از آنکه ستمگران و جباران بر بنی اسرائیل غلبه یافته و قسمت بیشتر شهر و دیار آنان را گرفتند و فرزندانشان را اسیر و خود آنها را ذلیل نمودند؛ به سبب اینکه آنان عهد و پیمان خدا را فراموش کرده بودند و گناهان در میان آنها زیاد شده بود و پیامبری نداشتند، لذا خداوند اشموئیل پیامبر را برای آنان فرستاد. آنان به او گفتند: اگر راست میگویی برای ما پادشاهی برانگیز تا در راه خدا بجنگیم و این نشانه نبوت و پیامبری تو است.

۲. آنان می خواستند با «عمالقه» جنگ کنند. پس درخواست پادشاهی کردند که امیر آنان شود و در سایه قدرت او کلیه آنان متحد و حالشان منظم گردد و در جنگ با دشمن پیروز شوند.

۳. خداوند اشموئیل پیامبر را برای آنان فرستاد و چهل سال به بهترین صورت گذراندند تا مسئله جالوت و عمالقه پیش آمد و اینان به اشموئیل گفتند که برای ما پادشاهی برگزین ... (طبرسی، بی تا: ۷۷/۳).

طبرسی در ادامه، سخنی از امام صادق (علیه السلام) را در بیان معنای ملک چنین نقل می کند که ابو عبد الله (علیه السلام) می گوید: «ملک در آن زمان به کسی می گفتند که لشکر را میبرد (به اصطلاح امیر لشکر) و پیامبر، کارش را برپا می داشت و از طرف خدا و به وسیله وحی او را (از جریان و عواقب کارها) آگاه می ساخت» (همان).

از این بیان تفسیری استفاده می شود که انتخاب رهبر برای جامعه ی قوم بنی اسرائیل که یک امر سیاسی است، به وسیله ی یک پیامبر که یک انسان آسمانی است، صورت گرفته است؛ یعنی حضور دین در عرصه سیاست و حکومت که باعث قوام آن حکومت نیز خواهد شد، امری اجتنابناپذیر است. نیز می توان نتیجه گرفت که پیامبران الهی شخصاً در امور نظامی و حکومتی مانند عزل و نصب فرماندهان جنگی دخالت می کردند که این خود بیان گر عدم جدایی دین از سیاست است (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۴ - ۱۱۳).

آیه دیگر دال بر عدم جدایی دین از سیاست آیه مربوط به حکومت جهانی مؤمنان است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُعِدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده میدهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همانگونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل میکند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقانند» (نور/۵۵).

علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در تفسیر این آیه می گوید: «این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترس می کند؛ امنیتی که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و جلوگیری هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۹/۱۵).

در واقع، این وعده ی حکومت جهانی که از طرف خداوند صادر شده است، بهترین دلیل بر حضور پررنگ دین در عرصه های مختلف حکومتی و سیاسی است و می توان نتیجه گرفت که هدف از تشکیلات حکومتی، حفظ کیان دین و اجرای قوانین متعالی دینی است. این هدف از دو عبارت «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» و «يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» به روشنی قابل استنباط است (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۵ - ۱۱۴).

آیه ی دیگری که دلالت روشن و واضحی بر عدم جدایی دین از سیاست دارد؛ می فرماید: «اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ * إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِشْرَاقِ * وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ * وَ شَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فُضِّلَ الْخِطَابُ؛ در برابر آنچه می گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه کننده بود! * ما کوه ها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می گفتند! * پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه اینها بازگشت کننده به سوی او بودند! * و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) دآوری عادلانه!» (ص/۲۰ - ۱۷).

در مجمع البیان بیان شده است که مراد از «ملک» حکومت و حکمرانی است که از خداوند متعال به حضرت داود (علیه السلام) تنفیذ شد. «وَ شَدَدْنَا مُلْكَهُ» یعنی ملک او را با نگهبانی و لشکریان و شکوه و زیادی نیرو و افراد فراوان قوی گردانیدیم.

«وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ» حکمت را که نبوت یا مصاب بودن در امور یا علم به خدا و احکام و شرایع خداوند است، به او دادیم (طبرسی، بی تا: ۸۳/۲۱).

بنابراین، حکومت و فرمانروایی با شکوهی که حضرت داود (علیه السلام) بر عهده داشت، مستقیماً از طرف خداوند متعال به او عنایت شده بود و این چیزی نیست جز همان تلفیق دین با سیاست که به روشنی می توان این برداشت را از ظاهر این آیه به دست آورد (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۶ - ۱۱۵).

۴. لزوم مشورت در امور حکومتی و سیاسی

از اساسی ترین رمز های موفقیت یک حاکم هوشیار، مشورت کردن با افراد خبره و کارآمد در اداره تمامی شئون کشوری است. قرآن کریم نیز به این امر مهم اشاره نموده است: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرٍ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون» (سپس) گفت: ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام» (نمل/۳۲).

تفسیر دقیق و لطیفی از تفسیر نمونه پیرامون این آیه ذکر شده است که به بخشی از آن اشاره می کنیم: ملکه قوم سبا می خواست با این نظر خواهی موقعیت خود را در میان آنها تثبیت کرده و نظر آنها را به سوی خویش جلب نماید، ضمناً میزان هماهنگیشان را با تصمیمات خود مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. «افتونی» که از ماده «فتوا» است، در اصل به معنای حکم کردن دقیق و صحیح در مسائل پیچیده است. ملکه سبا با این تعبیر، هم پیچیدگی مسئله را به آنها گوشزد کرد و هم آنها را به این نکته توجه داد که باید در اظهار نظر دقت به خرج دهند تا راه خطا نپویند. «تشهدون» از ماده «شهود» به معنای حضور است؛ حضوری که توأم با همکاری و مشورت بوده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۵۴/۱۵).

بنابراین، مشورت یک رهبر و حاکم با افراد ماهر موجب هوشیاری و دقت در امور حکومتی و نیز باعث برطرف شدن خطاها می شود (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

۵. عزت، اصلی مهم در سیاست خارجی و روابط سیاسی - اقتصادی

در معارف اسلامی و قوانین متعالی اسلام، اصل کلیدی در روابط سیاسی با دشمنان حفظ ماندن عزت مسلمانان است. خداوند می فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطهای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته میشود) مگر این که از آن ها بپرهیزد (و به خاطر هدف های مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست» (آل عمران/۲۸).

رابطه ی کورکورانه و بی اساس جامعه اسلامی با دشمنان موجب وارد شدن زیان و ضرر به مسلمانان است. در تفسیر نمونه در این باره آمده است: «این آیه در زمانی نازل شد که روابطی در میان مسلمانان و مشرکان با یهود و نصاری وجود داشت و چون ادامه این ارتباط، برای مسلمانان زیانبار بود، مسلمانان از این کار نهی شدند. این آیه در واقع، یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می دهد که بیگانگان را هرگز به عنوان دوست و حامی و یار و یاور نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند؛ زیرا ضربه های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده، در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است. تاریخچه استعمار می گوید: همیشه ظالمان استثمارگر در لباس دوستی و دلسوزی و

عمران و آبادی ظاهر شده‌اند. فراموش نباید کرد آنها به نام عمران و آبادی وارد می‌شدند و هنگامی که جای پای خود را محکم می‌کردند، بی‌رحمانه بر آن جامعه می‌تاختند و همه چیز آنها را به یغما می‌بردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۹۹/۲ - ۴۹۸). خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل)، دلیل آشکاری بر ضدّ خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!» (نساء/۱۴۴).

علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) اساس رابطه‌ی نادرست با دشمنان را موجب نفاق دانسته و گفته است: «این آیه شریفه - به طوری که ملاحظه می‌کنید - مؤمنان را از اینکه به ولایت کفار و سرپرستی آنها بپیوندند و ولایت مؤمنان را ترک کنند، نهی می‌کند و سپس مسئله را به تهدید شدیدی تعلیل می‌کند که از ناحیه خدای تعالی متوجه منافقان شده است. این بیان و تعلیل معنایی جز این نمی‌تواند داشته باشد که خدای تعالی ترک ولایت مؤمنان و قبول ولایت کفار را نفاق دانسته، و مؤمنان را از وقوع در آن بر حذر می‌دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۲/۵).

از این دو آیه این نکته استنباط می‌شود که اصل اولی بر ترک رابطه‌ی تأثیرپذیر از دشمنان است و اگر مسائلی مانند سیاست، اقتصاد و ... باعث شوند که بخواهیم با دشمنان رابطه‌ای برقرار کنیم، اصل بر احتیاط است و باید با اقتدار و عزت همراه باشد (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۱ - ۱۲۰).

۶. لزوم آگاهی در مدیریت سیاسی - امنیتی

مدیریت مسائل سیاسی - حکومتی جامعه به طوری که فقط گروه خاصی از آن اطلاع داشته باشند و باعث تشویش خاطر افراد جامعه نشود، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سیاسی اسلام است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان، که قدرت تشخیص کافی دارند بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید (و همراه می‌شدید)» (نساء/۸۳).

این آیه به یکی از اعمال نادرست منافقان و یا افراد ضعیف الایمان اشاره کرده می‌فرماید: آنها کسانی هستند که هنگامی که اخباری مربوط به پیروزی و یا شکست مسلمانان به آنان برسد، بدون تحقیق، آن را همه جا پخش می‌کنند. بسیار می‌شود که این اخبار، بی اساس بوده و از طرف دشمنان به منظورهای خاصی جعل شده و اشاعه آن به زیان مسلمانان تمام می‌گردد. در حالی که وظیفه دارند این گونه اخبار را قبل از هر کس با رهبران و پیشوایانشان در میان بگذارند و از اطلاعات وسیع و فکر عمیق آنها استفاده کنند و بدون جهت نه مسلمانان را گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزی‌هایی خیالی کنند و نه روحیه آنها را به خاطر شایعات دروغین مربوط به شکست تضعیف نمایند.

«یستنبطونه» در اصل از ماده «نبط» (بر وزن فقط) است و به معنای نخستین آبی است که از چاه میکشند و از ریشه‌های زمین استخراج می‌گردد. و به همین جهت، استفاده کردن هر حقیقتی از دلائل و شواهد مختلف و استخراج کردن آن از مدارک موجود، «استنباط» نامیده می‌شود، خواه در مسائل فقهی باشد یا در مسائل فلسفی و سیاسی و علمی.

منظور از «أُولَى الْأَمْرِ» (صاحبان فرمان) در اینجا کسانی هستند که قدرت تشخیص و احاطه کافی به مسائل مختلف دارند و میتوانند حقایق را از شایعات بی اساس و مطالب راستین را از نادرست برای مردم روشن سازند که در درجه اول پیغمبر (صلی

الله علیه و آله و سلم) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام)، جانشینان او، و در درجه بعد دانشمندانی هستند که در این گونه مسائل صاحب نظرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۱/۴ - ۳۰).

در واقع، هدف از نزول این آیه اطاعت محض از رهبر سیاسی جامعه در امور سیاسی - امنیتی است و اینکه نباید به طور خودسرانه و جاهلانه اخباری که مربوط به امور حکومتی جامعه است، بدون اجازه رهبر سیاسی الهی جامعه انتشار داد؛ چه بسا برخی از این اخبار موجب ترس و وحشت بیهوده در جامعه شود یا برخی از این اخبار موجب فاش شدن مسائل امنیتی جامعه و سوء استفاده دشمنان از آن گردد (بهروزی لک، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۳ - ۱۲۲).

۷. اصلاح نفوس جامعه

باید اذعان نمود که شعار اساسی همه تحرک‌ها و نهضت‌های انبیا در طول تاریخ حیات بشر، ایجاد اصلاحات بوده است. اصلاحات، از جمله مسائلی است که زندگی بشری نمی‌تواند بدون آن ادامه حیات دهد، و این پدیده حساس در یک جامعه اسلامی نیز در سایه یک فرهنگ راستین اسلامی تحقق پذیر خواهد بود. آنچه ما در صدد بیان آن می‌باشیم اصلاح در عمل و رفتار می‌باشد، به نظر می‌رسد جامعه قرآنی از ظرفیت عظیم اصلاح مردم به سمت خیر و نیکی برخوردار می‌باشد (سایت حوزه، اصلاحات در ساحت معنویت انقلاب اسلامی، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، ۱۷:۲۹، <https://hawzah.net/fa/Article/View/81912>).

خودسازی و اصلاح نفس خود و همچنین هدایت و اصلاح دیگران از اهداف اساسی اصلاحات اسلامی است که در این باره امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «من اصلاح نفسه ملک‌ها؛ کسی که نفس خود را اصلاح کند مالک آن می‌شود» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۲۴/۱۱). آن حضرت می‌فرماید: «طوبی لمن صلحت سریره؛ خوشا به حال کسی که باطن خویش را اصلاح کند» (محمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۹: ۲۶۸/۵). اگر باطن اصلاح شود، نشان آن را می‌توان در صلاح ظاهر، به تماشا نشست (سایت حوزه، اصلاحات در ساحت معنویت انقلاب اسلامی، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، ۱۷:۲۹، <https://hawzah.net/fa/Article/View/81912>).

همچنین ایشان می‌فرماید: «صلاح الظواهر عنوان صفة الضمائر؛ درست بودن ظاهر، نشانگر درست بودن باطن است» (محمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۹: ۲۷۰/۵؛ اللیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۰۱). جامعه قرآنی می‌تواند با ایجاد زمینه تأثیر روحی، احسان و نیکی، ترویج فرهنگ قناعت، تعقل و تفکر، صداقت، و ... در هدایت و اصلاح جامعه بکوشد که این امر منجر به تحقق سبک زندگی اسلامی خواهد گردید (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله محمدحسین مختاری، نقش جامعه قرآنی در تحقق سبک زندگی اسلامی، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، ۱۷:۵۱، <http://www.m-h-mokhtari.com/1000-2>).

۸. قرآن محوری

از مهم‌ترین تأثیرات جامعه قرآنی بر فضای سبک زندگی جامعه، ارتقای رجوع به قرآن و فرامین صادر شده در این کتاب آسمانی می‌باشد. اساساً ما پیش از اینکه در موضوع خاصی رسالت جامعه قرآنی را تعریف و واکاوی کنیم، باید رسالت عام جامعه قرآنی را در تحقق سبک زندگی اسلامی مد نظر قرار دهیم. مطمئناً یک امر بدیهی خواهد بود که همه افراد جامعه که به نوعی با قرآن مانوس می‌باشند همه و همه در یک مقطع مشترکند که بستری را فراهم کنند تا معارف قرآنی را به جامعه منتقل نمایند (همان).

یکی از آسیب‌های مهم در این زمینه وجود نگاه حداقل در ارتباط با کلام وحی می‌باشد که قرآن را در حدی خاص کتاب مقدس می‌دانند و عمده فعالیت‌ها را در زمینه تلاوت، خواندن و ثواب بردن تعریف می‌نمایند. به نظر می‌رسد نگاه حداقلی در

زمینه قرائت و تلاوت و حفظ قرآن تاثیرگذار خواهد بود اما یقیناً برای تأثیر در سبک زندگی اسلامی به هیچ عنوان کافی نخواهد بود بلکه بهره‌مندی قرآن در همه ابعاد زندگی جزو ضروریات جامعه قرآنی می‌باشد از این روست که تدبر و تفسیر قرآن به عنوان گامی برای استنباط و نظریه سازی مورد توجه قرار گرفته است تا خردمندان با بهره گیری از آیات قرآنی به نظریه پردازی اقدام کرده و جامعه را براساس نظریه‌های قرآنی سامان و شکل دهند و سبک زندگی مردم را بر اساس آن متحول سازند(همان).

تدبر در حقیقت به معنای بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که در هر آیه وجود دارد تا با آن سبک زندگی را از تفسیری درست بهر همنم سازند و بر اساس روش‌ها و اصول آن زندگی را سامان بخشید. از این روست که امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می‌فرماید: «الا لا خیر فی قرائه لیس فیها تدبر؛ آگاه باشید در آن قرائت قرآنی که تدبر نباشد هیچ خیری (یعنی خوبی و رشد عقلانی و معنوی) وجود ندارد» (محمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۹: ۳۵۵/۹).

خداوند به صراحت کسانی را که التقاطی عمل می‌کنند و بخشی از فرهنگ و سبک زندگی خویش را از آموزه‌های قرآنی و بخشی دیگر را از آموزه‌های دیگران می‌گیرند، به عنوان کافر معرفی کرده(بقره/۸۵) و به آنان هشدار می‌دهد که این گونه رفتار التقاطی هیچ سودی برای آنان و جامعه ایشان نخواهد داشت(اعراف/۵۳ - ۵۲).

لذا تفکر التقاطی و نیز عمل التقاطی از منظر قرآن عین مهوریت قرآن می‌باشد، زیرا جامعه‌ای که نتواند قرآن را به عنوان محور در سبک زندگی مردم مطرح سازد یقیناً در ابعاد دیگر نیز در مقابل سبک‌های منحط غربی یارای مقابله را نخواهد داشت تا آنان در سبک زندگی خویش به کار گیرند. که این مهم منجر تأثیر گذاری جامعه قرآنی در تحقق سبک زندگی مردم در همه ابعاد زندگی خواهد گردید(پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله محمدحسین مختاری، نقش جامعه قرآنی در تحقق سبک زندگی اسلامی، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، ۱۷:۵۱، <http://www.m-h-mokhtari.com/1000-2>).

۹. اصالت به جامعه و فرد

اصالت داشتن یا اعتباری بودن جامعه از مباحث کلیدی در ارتباط با نقش جامعه قرآنی در تحقق سبک زندگی اسلامی می‌باشد زیرا اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که چنانچه جامعه یک امر اعتباری باشد و وجودی جدای از وجود افراد برایش قائل نباشیم و در حقیقت این افراد باشند که جامعه را تشکیل می‌دهند، باید پذیرفت که تحولات جامعه، به دست افراد است و هرگونه تغییر و تحولی که در جامعه به وجود آید، نتیجه عملکرد خوب یا سوء افراد آن جامعه است.

به طور کلی در این موضوع دیدگاه‌های مطرح شده را می‌توان به دو قسم گرایش‌های جامعه‌گرا و فردگرا تقسیم کرد که هر کدام قائلین خاص خود را داراست و دلایلی نیز برای اثبات مدعای خود ذکر نموده اند که مجالی برای طرح آنها نیست. در میان اندیشمندان اسلامی معاصر نیز هر دو گرایش طرفدارانی دارد. مدعیان گرایش به جامعه‌گرایی مستنداتی از آیه‌های قرآن می‌آورند مبنی بر این که قرآن برای جامعه نوعی زندگی سوای از افرادش، در نظر می‌گیرد و اموری را به جامعه نسبت داده که نمی‌توان آن‌ها را به افراد نسبت داد(همان).

اقوال اندیشمندان مسلمان در باب جامعه گرایی بر این نکته استوار است که آن‌ها نقش فرد را در جامعه نادیده نمی‌انگارند و او را موجودی بی‌اراده و اختیار نمی‌دانند. بلکه البته اندیشمندان مسلمان بر وحدت حقیقی تأکید دارند و به همین دلیل با توجه به چنین نگرشی، در تمسک به آیه‌های قرآن، استنباط می‌کنند که قرآن برای امت‌ها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است(مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸/۵). لذا می‌توان ادعا نمود از منظر اندیشمندان اسلامی انسان موجودی مستقل می‌باشد لیکن این جوامع هستند که فرهنگ و تمدن را شکل می‌دهند(پایگاه

اطلاع رسانی دفتر آیت الله محمدحسین مختاری، نقش جامعه قرآنی در تحقق سبک زندگی اسلامی، تاریخ و ساعت دانلود: <http://www.m-h-mokhtari.com/1000-2>، ۱۷:۵۱، ۱۳۹۹/۱۰/۲۴.

۱۰. خدامحوری

از مهم‌ترین مباحث مربوط به تأثیر جامعه‌ی قرآنی در تحقق سبک زندگی اسلامی باید به اصالت خدا در جامعه اشاره نمود. لذا مهم‌ترین شاخصه جامعه‌ی قرآنی خدا محوری است یعنی محوریت در جامعه‌ی قرآنی با خالق است نه با مخلوق. از نگاه همه‌ی ادیان سرپرست بشر خداست سرپرستی در وضع و اجرای قوانین، چنین جامعه‌ای را جامعه خدامحور می‌گویند. لذا سبک زندگی اسلامی و نهاد مقدس خانواده اسلامی بر خدامحوری استوار است، باید گفت اصلی‌ترین مبانی جامعه قرآنی خدامحوری است که ولایت و سرپرستی از آن اوست و دین، قوانین الهی جامعه بشری است و تخلف از آن روا نبوده و جرم تلقی می‌شود.

در تفکر دینی نیز انسان در حد خلافت الهی تکریم می‌شود اما بین جانشینی خدا در تفکر اسلامی و دینی با جایگزینی انسان به جای خدا در «اومانیزم» فرق بسیار است. در آنجا وقتی از جایگزینی انسان به جای خدا سخن می‌رود، سخن از کنار رفتن خدا و نشستن انسان به جای خدا و خدایی کردن انسان است. اما در تفکر دینی وقتی سخن از جانشینی انسان به جای خدا گفته می‌شود، اینجانشینی در گرو بندگی خداست و کسی که بنده خدا باشد و از خود برهد جانشین خدا می‌شود و می‌تواند قوانین خدا را در جامعه وضع و اجرا و حاکم کند. هر دو به ظاهر به انسان ارزش می‌دهند اما یکی به انسان گسسته از خدا و دیگری به انسان پیوسته با او ارج می‌نهد(همان).

نتیجه گیری

مقاله حاضر تحت عنوان «نقش قرآن در رشد جامعه اسلامی در زمینه سیاسی» است. مجموع تعالیم عقلانی قرآن در حوزه سیاست و ایجاد حکومت اسلامی، ویژه در حوزه‌ی تعالی انسانی در جامعه اسلامی، این امکان را به متفکران مسلمان می‌دهد تا نگرش و جهان بینی فلسفی و عقلانی جدیدی درباره سیاست و دیانت به دست آورند.

این مسئله آنها را در هضم نظامهای فکری گوناگون یک نظام اسلامی توانا ساخت. که این واقعیت با ظهور اسلام و گسترش تعالیم قرآن در جهان اسلام رخ داد در حالی که نهضت ورود اندیشه های یونانی به ملل خاورمیانه، حتی پیش از اسلام نیز در جریان بود ولی تا ظهور اسلام منجر به شکل نظام کارآمد جدیدی نگردید. رفته رفته این امکان برای فیلسوفان و متفکران اسلامی به وجود آمد که از قرآن در حل مسائل سیاسی و حکومت مطالب مفیدی استخراج کنند.

قرآن در بحث فلسفه نیز از دیگر ادیان پیشی گرفته و امروز که می توان بحران عقب ماندگی فکری جوامع اسلامی را دید که با رجوع به قرآن و خود جمعی مسلمانان به بازسازی عناصر معرفتی تمدن اسلامی اقدام کرد. کتاب خدا قرآن اولین ریسمان حکمی است که انسان می تواند در جهت کسب بصیرت به آن چنگ زند. ایمان و تقوا نیز در این راه انسان را یاری می دهند.

بنابراین در مسائل سیاسی آیات مطرح شده که قابل تفکیک از دین نیست و برای برقراری ارتباط با دیگر ملتها و نحوه برخورد با آنها در مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی و غیره توصیه‌هایی را ارائه داده است. و از طرفی برای تشکیل حکومت اسلامی به زندگی انبیاء همچون حضرت داوود(علیه السلام) اشاره کرده است.

منابع

* قرآن

فهرست کتب فارسی

۱. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۹)، **صحیفه امام**، ج ۱۳، چاپ پنجم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمة الله علیه).
 ۲. شیروی، مرتضی، (۱۳۸۶)، **جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست**، چاپ اول، قم، زمزم هدایت.
 ۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، (مترجم: محمدباقر موسوی)، ج ۵ و ۱۵، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۴. طبرسی، فضل بن حسن، (بی‌تا)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، (مترجم: حسین نوری همدانی)، (محقق: محمد مفتاح)، ج ۳ و ۶ و ۱۱ و ۲۱، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی.
 ۵. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**، چاپ هفتم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
 ۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (جامعه و تاریخ)**، ج ۵، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات صدرا.
 ۷. معین، محمد، (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ادنا.
 ۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، ج ۲ و ۴ و ۱۵، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ۹. الیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، **عیون الحکم و المواعظ**، (محقق و مصحح: حسین حسینی بیرجندی)، چاپ اول، قم، دارالحديث.
 ۱۰. محمدی ریشه‌ری، محمد، (۱۳۸۹)، **میزان الحکمه**، (مترجم: حمیدرضا شیخی)، ج ۵ و ۹، چاپ یازدهم، قم، دارالحديث.
 ۱۱. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۱۱، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت(عليهم السلام).
 ۱۲. بهروزی لک، غلامرضا، دهقانی فیروزآبادی، مصطفی، (۱۳۹۲)، **"مبانی سیاسی قرآن کریم در تفاسیر"**، فصلنامه علمی - ترویجی قرآن و علم، شماره ۱۲.
 ۱۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله محمدحسین مختاری، **نقش جامعه قرآنی در تحقق سبک زندگی اسلامی**، فهرست سایت ها
- تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، ۱۷:۵۱، <http://www.m-h-mokhtari.com/1000-2>

۱۴. سایت اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از منظر آیات و روایات، تاریخ و ساعت ۱۸:۴۶، ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، داندود:
<http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/1920/indexId/226574>
۱۵. سایت پژوهه (پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام))، اومانيسم (Humanism)، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶، ۱۷:۲۹،
http://pajoohe.ir/Humanism_a-35076.aspx
۱۶. سایت حوزه، اصلاحات در ساحت معنویت انقلاب اسلامی، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، ۱۷:۲۹،
<https://hawzah.net/fa/Article/View/81912>
۱۷. کوثر بلاگ، مفهوم لغوی و اصطلاحی جامعه، تاریخ و ساعت داندود: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳، ۱۹:۴۰، [https://narjes-](https://narjes-s3.kowsarblog.ir)
[s3.kowsarblog.ir](https://narjes-s3.kowsarblog.ir)